

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

دین و زندگی (۲)

قرآن و تعلیمات دینی

رشته‌های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک - فنی و حرفه‌ای - کار دانش

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه



در مسیر

۲

بخش دوم

یادآوری

در سال گذشته، برخی از قدم‌هایی را که لازمه رسیدن به کمال و سعادت است شناختیم، و برای برداشتن آن قدم‌ها تلاش کردیم. این قدم‌ها که در پنج بخش ارتباط با خدا، خود، خانواده، جامعه و خلقت قرار می‌گیرند، برخی از آنها عبارت بودند از: رعایت احکام و حدود الهی، محبت و دوستی نسبت به خدا و دوستان او، برنامه‌ریزی در زندگی و... .

امسال، قدم‌های دیگری به سوی کمال و پیشرفت برمی‌داریم و از خدای مهربان می‌خواهیم که ما را در این مسیر یاری فرماید.





قراآت

سوره منافقون ۶۳

جزء ۲۸



استماع و فزدرانی

آیات درس رابا توجه به الگوی قراآت، جمله به جمله بخوانید و به معنای آن دقت کنید.

وَإِذَا قِيلَ لَهُم تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا
رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ﴿٥﴾
سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ
لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٦﴾
هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ
حَتَّىٰ يَنْفَضُوا ۗ وَاللَّهُ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَلَكِنَّ الْمُنْفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٧﴾ يَقُولُونَ لَأَنْ رَجَعْنَا
إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ ۗ لِلَّهِ الْعِزَّةُ
وَلِرَسُولِهِ ۗ وَلِلْمُؤْمِنِينَ ۗ وَلَكِنَّ الْمُنْفِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ
عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ۗ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿٩﴾
وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ
فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ
وَأَكُنْ مِنَ الصَّٰلِحِينَ ﴿١٠﴾ وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا
إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا ۗ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١١﴾

ترجمه

و هنگامی که بخشی از خیانت‌ها و کجروی‌هایشان آشکار گردد و به آنان [از طرف مؤمنان] گفته شود: بیاید تا پیامبر خدا برای شما از خدا آموزش بخواهد، سرهایشان را [از روی انکار و تکبر] برمی‌گردانند، و آنان را می‌بینی که از گونده آن سخن روی برمی‌تابند و تکبرکنان از پذیرفتن سخن او خودداری می‌کنند. ﴿۵﴾

برای آنان یکسان است چه برایشان آموزش بخواهی یا برایشان آموزش نخواهی. خدا هرگز آنان را نخواهد آموزد، زیرا آنان فاسقند و خدا مردم فاسق را هدایت نمی‌کند و به راه سعادت و بهشت نمی‌برد. ﴿۶﴾

اینان همان کسانی‌اند که [به قوم و قبیله خود] می‌گویند: به مؤمنان مهاجری که نزد رسول خدایند و او را یاری می‌کنند انفاق نکنید تا از [از شدت فقر دلسرد شده و از] اطراف او پراکنده شوند [و به وطن‌های خود باز گردند] و او نتواند بر ما حکمرانی کند. آنان چنین می‌گویند در حالی که گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست و هرگاه بخواهد، یاران پیامبر را توانگر می‌کند، ولی منافقان این حقیقت را در نمی‌یابند. ﴿۷﴾

می‌گویند: اگر [از این سفر جنگی] به مدینه بازگردیم، قطعاً محترم‌های قوم [منافقان]، دلیل‌ها [یعنی پیامبر و مهاجران] را از آن‌جا بیرون خواهند کرد، و حال آنکه عزت، همه از آن خدا و پیامبرش و مؤمنان است، اما منافقان نمی‌دانند. ﴿۸﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مبادا اموال و فرزندان‌تان شما را از یاد خدا بازدارند که به ورطه نفاق خواهید افتاد، و کسانی که چنین کنند، آنانند زیانکاران. ﴿۹﴾

و بخشی از آنچه را که به شما ارزانی داشته‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه یکی از شما را مرگ فرا رسد و بگوید: پروردگارا، چرا مرگ مرا اندکی به تأخیر نینداختی؟ در این صورت صدقه می‌دادم و از شایستگان می‌شدم. ﴿۱۰﴾

این درخواست پذیرفته نمی‌شود، زیرا هنگامی که اجل کسی فرارسید، هرگز خدا او را به تأخیر نمی‌افکند، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. ﴿۱۱﴾

عزت نفس

درس یازدهم

یکی از مهم‌ترین قدم‌ها در مسیر کمال، تقویت عزت نفس است. عزت از صفاتی است که قرآن کریم بیش از ۹۵ بار خداوند را بدان توصیف کرده است. معصومین بزرگوار این صفت را از ارکان فضایل اخلاقی دانسته‌اند که اگر در وجود ما شکل بگیرد، مانع بسیاری از زشتی‌ها خواهد شد.

این درس را به شناخت این صفت اختصاص می‌دهیم تا با آگاهی بیشتر، برای کسب این فضیلت بکوشیم.



عزّت و ذلّت

عزّت به معنای «نفوذناپذیری» و «تسلیم نبودن» است.^۱ وقتی می‌گویند خداوند «عزیز» است، معنایش این است که کسی نمی‌تواند در اراده او نفوذ نماید و او را تسلیم خود کند. واژه «ذلّت» درست مقابل «عزّت» قرار دارد و به معنای نفوذپذیری و مغلوب و تسلیم بودن است.

بنابر تعاریف فوق، «انسان عزیز» کسی است که در برابر

مستکبران و ظالمان و همچنین در مقابل هوی و هوس خویش می‌ایستد، مقاومت می‌کند و تسلیم نمی‌شود. او زیر بار عملی که روحش را آزرده کند و او را حقیر و کوچک سازد، نمی‌رود.

«انسان ذلیل» نیز کسی است که در برابر مستکبران و زورگویان تن به خواری می‌دهد و هر فرمانی را می‌پذیرد؛ همچنین تسلیم هوی و هوس خویش می‌شود و هر کاری را که موافق هوی و هوس او باشد انجام می‌دهد، هر چند که آن کار روحش را به گناه آلوده کند.

اکنون باید ببینیم چگونه می‌توانیم صفت دوست‌داشتنی «عزّت» را در خود تقویت کنیم و از «ذلّت و خواری» دوری کنیم؟

تدبّر در قرآن

در آیات زیر ببینید و راه دستیابی به «عزّت» را بیان کنید.

۱- مَن كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا...^۲

هر کس عزّت می‌خواهد [بداند] که هر چه عزّت است، از آن خداست.

۲- لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَ زِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ^۳

برای کسانی که نیکوکاری پیشه کردند، پاداشی نیک و چیزی افزون‌تر است و بر چهره آنان

غبار خواری و ذلت نمی‌نشیند.

۳- وَ الَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ^۴

آنان که بدی پیشه کردند، جزای بد به اندازه عمل خود می‌بینند و بر چهره آنان غبار ذلت می‌نشیند.

راه پیشنهادی قرآن برای رسیدن به عزت:

.....
.....

۱- معمولاً ما فارسی‌زبانان، واژه «عزیز» را به جای «دوست‌داشتنی» و «گرامی» به کار می‌بریم. این معنا، اگرچه با معنای اصلی واژه در زبان عربی و قرآن کریم، متفاوت است، اما ارتباط نزدیکی با آن دارد؛ زیرا هر انسانی افراد مقاوم و تسلیم‌ناپذیر را دوست می‌دارد.

۲- سورة فاطر، آیه ۱۰. ۳- سورة یونس، آیه ۲۶. ۴- سورة یونس، آیه ۲۷.

راه‌های تقویت عزت

قرآن کریم و سیره معصومین راه‌های زیر را برای تقویت عزت نفس بیان می‌کنند:

۱- شناخت ارزش خود و نفروختن خویش به بهای اندک

اگر کالای گران قیمتی، مانند طلا داشته باشیم، اما ارزش و قیمت آن را ندانیم، به آسانی فریب می‌خوریم و آن را به بهای اندک می‌فروشیم. اما اگر ارزش آن را بدانیم، آن را عزیز می‌شماریم و به قیمت واقعی می‌فروشیم و بهایی برابر با ارزش آن به دست می‌آوریم.

از همین رو خداوند جایگاه ما انسان‌ها را در خلقت بیان می‌کند و می‌فرماید: **ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم... و بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم.**^۱
و خطاب به انسان فرموده:

«ای فرزند آدم، این مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم».^۲

خداوند به انسان وعده دیدار داده و بهشتی به وسعت همه آسمان‌ها و زمین برایش آماده کرده است. بهشتی که در آن انسان به هر آرزویی که تمنا می‌کند، می‌رسد؛ حتی به آن زیبایی‌هایی که خودش نمی‌شناسد و خدا می‌داند، دست می‌یابد.^۳

آیا بهایی ارزشمندتر از این به ذهن انسان می‌رسد؟ آیا کسی می‌تواند ادعا کند که می‌تواند بهای بالاتری را برای انسان فرض کند؟

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ

«همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست،

پس [خود را] به کمتر از آن نفروشید».^۴

فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا

۲- توجه به عظمت خداوند و تلاش برای بندگی او

خدایی که خالق تمام هستی است، سرچشمه و منبع همه قدرت‌ها و عزت‌هاست. او وجود شکست‌ناپذیری است که هیچ‌کس توانایی ایستادن در برابر قدرت او را ندارد بنابراین، هر کس به دنبال عزت است، باید خود را به این سرچشمه وصل کند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصف انسان‌هایی که عزت خود را در بندگی خدا یافته‌اند، می‌فرماید:

«خالق جهان در نظر آنان بزرگ است. از این جهت، غیر خدا در نظرشان کوچک است».^۵

۱- سوره اسراء، آیه ۷۰.

۲- یابن آدم، خَلَقْتُ الْأَنْبِيَاءَ لِأَجْلِكَ وَ خَلَقْتُكَ لِأَجْلِ، الجواهر السنّية في الاحاديث القدسية، شيخ خرعاملی، ص ۳۶۲.

۳- سوره قمر، آیه ۵۵ و سوره فجر، آیات ۳۰- ۲۷ و سوره زخرف، آیه ۷۱.

۴- نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶.

۵- عَظَّمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ، فِي أَعْيُنِهِمْ؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

وقتی که انسان به چنین شناخت و ایمانی رسید، به طور طبیعی تسلیم خدا می‌شود، بندگی او را می‌پذیرد و در مقابل غیرخدا عزیز و تسلیم‌ناپذیر باقی می‌ماند.
به همین جهت امیرالمؤمنین علیه السلام از ما می‌خواهد که:
«بندۀ کسی مثل خودت نباش، زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است».^۱

خود ارزیابی (۱)

آیا تاکنون با کسی که عزت و کرامت شما را نادیده گرفته، مواجه شده‌اید؟ چه عکس‌العملی نشان داده‌اید؟

اسوه‌های عزت در برابر ستمگران

پیشوایان ما با تکیه بر بندگی خداوند و پیوند با او توانستند در سخت‌ترین شرایط، عزت‌مندانه زندگی کنند و هیچ‌گاه تن به ذلت و خواری ندهند.

برای مثال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که در محاصره طاق‌فرسای مشرکان مکه بود و جز حضرت ابوطالب علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام و یارانی اندک و فقیر، پشتیبان‌های نداشت، به بزرگان مکه که به او وعده ثروت و قدرت و ریاست بر این شهر را می‌دادند، فرمود: «اگر اینان خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارند، از راه حق دست بر نمی‌دارم و تسلیم نمی‌شوم».^۲

نوه گرامی و عزیز آن حضرت، امام حسین علیه السلام، آنگاه که یزیدیان با بیش از سی هزار جنگجو، ایشان را محاصره کردند و از او خواستند که زیر بار بیعت با یزید برود، فرمود:

«مرگ با عزت از زندگی با ذلت، برتر است».^۳

حضرت زینب علیها السلام، خواهر شجاع امام نیز پس از تحمل انبوه مصائب و سختی، که یکی از آنها می‌تواند انسان را درهم شکند، در پاسخ به جمله تحقیرآمیز عبیدالله بن زیاد، حاکم کوفه که گفت: دیدی خدا چه بر سر خاندان شما آورد؟ با قدرت فرمود: [در این واقعه] جز زیبایی ندیدم.^۴

تمرین ایستادگی در برابر تمایلات پست

هر انسانی، در درون خود، گاه و بی‌گاه با تمایلات و خواسته‌هایی روبه‌رو می‌شود، که پاسخ مثبت دادن به آنها، عزت نفس را ضعیف می‌کند و انسان را به سوی خواری و ذلت سوق می‌دهد. حال

۱- نهج البلاغه، وصیت‌نامه امام به فرزند گرامی خود امام حسن علیه السلام، نامه ۳۱.

۲- سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۵۶.

۳- اللهوف، سیدین طاووس، ص ۲۲.

۴- همان، ص ۳۵.



اگر این پاسخگویی ادامه یابد، خواری و ذلت انسان را احاطه می‌کند، به طوری که در برابر هر خواست نامشروع درونی و بیرونی مقاومت نمی‌کند و به سرعت تسلیم می‌شود.

نوجوانی و جوانی بهترین زمان برای

پاسخ منفی دادن به این تمایلات گاه و بی‌گاه است. انسانی که در این دوره سنی به سر می‌برد، هنوز به گناه عادت نکرده و خواسته‌های نامشروع در وجود او ریشه‌دار نشده است و به تعبیر پیامبر اکرم ﷺ، چنین کسی به آسمان نزدیک‌تر است. یعنی گرایش به خوبی‌ها در او قوی‌تر است. بنابراین نوجوان و جوان، بهتر از هر آدمی می‌تواند ایستادگی در برابر تمایلات منفی را تمرین کند و عزت نفس خود را تقویت کند.

خود عالی و خود دانی

ممکن است پیرسید ریشه این تمایلات در وجود انسان چیست؟

این سؤال مناسبی است که پاسخ آن می‌تواند راهگشای ما برای رسیدن به عزت و دوری از ذلت باشد. حقیقت این است که انسان دارای دو دسته از تمایلات است :

اول: تمایلات عالی و برتر، مانند تمایل به دانایی، عدالت، شجاعت، حیا، ایثار و حُسن خلق، که مربوط به روح الهی و معنوی انسان هستند. ما با رسیدن به این تمایلات احساس موفقیت و کمال می‌کنیم و از آنها لذت می‌بریم.

دوم: تمایلات دانی، مانند تمایل به ثروت، شهرت، غذاهای لذیذ، زیورآلات و رفاه مادی، که مربوط به بُعد حیوانی و دنیایی انسان است و وقتی به این تمایلات دست می‌یابیم، از آنها لذت می‌بریم و خوشحال می‌شویم. انسان‌ها به‌طور طبیعی به این قبیل امور میل دارند و علاقه نشان می‌دهند، زیرا اینها لازمه زندگی در دنیا هستند و بدون آنها یا نمی‌توان زندگی کرد یا زندگی سخت و مشکل می‌شود. تمایلات بُعد حیوانی در ذات خود بد نیستند، اما نسبت به بُعد معنوی و الهی، بسیار ناچیز و پایین‌ترند و قابل مقایسه با آن تمایلات نیستند.

پس چه موقع این تمایلات بد می‌شوند؟

آنگاه که انسان، این تمایلات را اصل و اساس زندگی قرار دهد و فقط در فکر رسیدن به آنها باشد و از تمایلات الهی خود غافل بماند. حد و مرز توجه به این تمایلات را خدا می‌داند و خداوند با احکام خود چگونگی بهره‌مندی از این تمایلات را مشخص کرده تا انسان بتواند در عین بهره‌مندی از آنها، به

رشد و کمال واقعی خود برسد.

از این رو هر انسانی در درون خود با دو دعوت روبه‌روست: دعوت عقل و وجدان یا همان «نفس لوامه»، که از ما می‌خواهد در حدّ نیاز به تمایلات فروتر پاسخ دهیم و فرصتی فراهم کنیم که تمایلات معنوی و الهی در ما پرورش پیدا کند و آن زیبایی‌ها وجودمان را فرا بگیرند.

دعوت دیگر، دعوت هوی و هوس یا همان «نفس اماره» است که از ما می‌خواهد فقط به تمایلات بُعد حیوانی سرگرم و مشغول باشیم و از تمایلات عالی و برتر غافل بمانیم.

انسانی که به هوی و هوس پاسخ مثبت می‌دهد و تسلیم می‌شود، قدم در وادی ذلت گذاشته و از راه رشد باز می‌ماند. پس از این مرحله است که وقتی در برابر ستمگران و قدرتمندان قرار گرفت، زیر بار ذلت می‌رود و تسلیم خواسته‌های آنها هم می‌شود.

بنابراین، کسی که در مقابل دیگران تن به ذلت می‌دهد، ابتدا در مقابل تمایلات پست درون خود شکست خورده و تسلیم شده و سپس مغلوب زورگویان و قدرتمندان گردیده و تسلیم خواسته‌های آنان شده است.

تحقیقات نشان می‌دهد که اکثر مجرمان و گناهکاران افرادی فاقد عزت نفس هستند یا عزت نفس بسیار پایینی دارند، درحالی‌که اکثر انسان‌های مفید و نیکوکار جامعه دارای عزت نفس بالایی می‌باشند و کمتر مرتکب گناه می‌شوند.

خودارزیابی (۲)

با توجه به آیات و احادیث و نکاتی که در درس آمده جاهای خالی را تکمیل کنید.

تسلیم و بندگی خداوند ←

احساس حضور در پیشگاه خداوند ←

غفلت از خداوند ←

عزت نفس ← حفظ پیمان با خدا و

ذلت نفس ←

فقیری که دارای عزت نفس باشد نمی‌کند. گدا، ابتدا

..... و سپس گدایی می‌کند. جوانی که عزت نفس دارد، در برابر

..... نمی‌شکند.

انسان عزیز در برابر شکست‌ناپذیر و در برابر مردم

..... است.



خارکش پیری، با دلِق^۱ درشت
 لنگ لنگان قدمی برمی داشت
 کای فرازنده^۲ این چرخ بلند
 کنم از جیب^۳ نظر تا دامن
 در دولت^۴ به رُخم بکشادی
 حد من نیت ثنایت گفتن
 نوجوانی به جوانی مغرور
 آمد آن شکر گزاریش به کوش
 خار بر پشت، زنی نزن سان کام
 عمر در خارکشی باخشای
 پیر گفتا که: چه عزت نزن به
 شکر گویم که مرا خوار ساخت
 به ره حرص ثنابنده نکرد
 داد با این همه افتادیم

پشته‌ای خار همی برد به پشت
 هر قدم دانه شکر می کاشت
 وی^۵ نوازنده^۶ دل های نژده
 چه عزیز می که نکردی با من!
 تاج عزت به سرم بنمادی
 کوهر شکر عطیات سفتن^۸
 رخس^۹ پندار، همی راند ز دور
 گفت ای پیر خرف کشته خموش
 دولت چیست؟ عزیزیت کدام؟
 عزت از خواری ثنابته ای؟
 که نی ام بر در تو بالین نه
 به خسی^{۱۰} چون تو گرفتار ساخت
 بر در شاه و گدا بنده نکرد
 عزت آزادی و آزادگیم

هفت اورنگ جامی

۳- وی : در اصل «وای» بوده

۶- جیب : یقه، گریبان

۹- رخس : اسب

۲- فرازنده : برپا کننده، سازنده

۵- نژد : غمگین

۸- سفتن : تراشیدن و سوراخ کردن

۱۱- خس : گاه و علف، فرومایه

۱- دلِق : لباس پشمینه

۴- نوازنده : نوازش کننده

۷- دولت : اقبال و نیک بختی

۱۰- پندار : عجب و تکبر





قراءت

سوره بقره ۲

جزء ۲



استماع و فوڈخوانی

آیات درس رابا توجه به الگوی جملة به جملة بخوانید و به معنای آن دقت کنید.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجْهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢١٨﴾
 يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ
 وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا
 وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ
 لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١٩﴾ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ
 وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ
 مِنَ الْمَصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ
 عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٠﴾ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِي حَتَّى يُؤْمِنُوا
 وَلَا مَآءَ مُؤْمِنَةٍ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا أَعْجَبَتْكُمْ
 وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ
 خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ
 إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ
 وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٢١﴾

ترجمه

کسانی که ایمان آورده و کسانی که در راه خدا هجرت کرده و جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، و خدا آمرزنده و مهربان است. ﴿۲۱۸﴾ از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند. بگو: در آن دو گناهی بزرگ و برای مردمان سودهایی است، و گناه آن دو از سودشان بزرگ‌تر است. و از تو می‌پرسند که چه چیزی انفاق کنند؟ (ای پیغمبر) بگو: آنچه را که از هزینه زندگی زیاد آید [یا آنچه را که از قوت و خوراک سال افزون گردد]. بدین‌سان خداوند آیات و نشانه‌ها را برای شما بیان می‌کند، باشد که درباره سعادت دنیا و آخرت خود بیندیشید. ﴿۲۱۹﴾

آری باشد که درباره سعادت دنیا و آخرت خود بیندیشید. و از تو درباره یتیمان می‌پرسند. بگو: اصلاح امور آنان به گونه‌ای که برایشان سودمند باشد نیکی است، و اگر با آنان همزیستی کنید، آنها برادران شمایند، پس مانند دیگر مسلمانان با آنان رفتار کنید؛ نه حقشان را تباه سازید و نه خود را سخت به زحمت بیفکنید، که خداوند فسادگر و اصلاحگر را می‌شناسد و آن دو را از هم مشخص می‌سازد. و اگر خدا می‌خواست، شما را در مورد یتیمان به زحمت می‌انداخت [ولی چنین نکرد] چرا که خداوند مقتدری حکیم است. ﴿۲۲۰﴾

و زنان مشرک را به همسری نگیرید تا اینکه ایمان بیاورند، و قطعاً کنیزی که با ایمان است، بهتر از زن آزادی است که مشرک باشد، هرچند زیبایی‌اش شما را به شگفت آورد. و زنان باایمان را به همسری مشرکان درنیاورید تا اینکه ایمان بیاورند. بی‌تردید، برده‌ای که مؤمن است، بهتر از مرد آزادی است که مشرک باشد، هرچند به مال و ثروتش شما را به شگفت آورد. آنان با گفتار و کردارشان به شرک فرامی‌خوانند که فرجام آن چیزی جز آتش نیست، و خداوند به اذن خود - بی‌آن که کسی یا چیزی او را ناچار کرده باشد - به بهشت و آمرزش فرامی‌خواند و آیتش را برای مردم بیان می‌کند، باشد که حقایق را دریابند. ﴿۲۲۱﴾



پیوند مقدّس

درس دوازدهم



رسول خدا ﷺ: «هیچ بنایی نزد خدا محبوب تر از ازدواج نیست»^۱.
خانواده مقدس ترین نهاد و بنای اجتماعی نزد خداست. این نهاد با ازدواج زن و مرد به وجود می آید و با آمدن فرزندان کامل می شود. با تولد فرزندان، زن و مرد، مادر و پدر بودن را تجربه می کنند و فرزندان را در دامن خود می پروراندند. در این درس می خواهیم درباره این نهاد مقدس صحبت کنیم تا بدانیم:

زمینه های جذب زن و مرد به یکدیگر برای تشکیل خانواده کدام اند؟

اهداف تشکیل خانواده چیست؟

همسر مناسب باید چه ویژگی هایی داشته باشد؟

۱- ما بُنِيَ بِنَاءَ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ التَّرْوِيجِ، من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، ص ۴۰۹.

۱- وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^۱

و از نشانه‌های خدا آن است که همسرانی از [نوع] خودتان برای شما آفرید تا با آنها آرامش یابید و میان شما «دوستی» و «رحمت» قرارداد. همانا که در این مورد، نشانه‌هایی است برای کسانی که تفکر می‌کنند.

۲- وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ^۲

و خداوند برای شما همسرانی از [نوع] خودتان قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوادگانی نهاد و از پاکیزه‌ها به شما رزق و روزی داد. حال، آیا آنان به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت الهی کفران می‌ورزند؟

در این آیات تفکر کنید و به سؤالات پاسخ دهید.

۱- هدف از تشکیل خانواده چیست؟

۲- نوع نگاه اسلام به زن و مرد چگونه است؟

۳- خداوند چه چیزهایی را به عنوان آیات و نشانه‌های خود معرفی کرده است؟

شخصیت انسانی زن و مرد

کلمات «انسان»، «انسان»، «بنی آدم» و «ناس» در قرآن کریم اختصاص به جنس خاصی ندارد و هر آیه‌ای که با این کلمات همراه باشد، به زن و مرد، هر دو مربوط می‌شود؛ زیرا حقیقت انسان را روح او تشکیل می‌دهد و روح انسان نه مذکر است و نه مؤنث. زنان و مردان به عنوان افراد نوع بشر، استعدادها و ویژگی‌های فطری یکسان و هدف مشترکی دارند که با بهره‌گرفتن از آن ویژگی‌های فطری می‌توانند به آن هدف مشترک، یعنی قرب الهی و بهشت جاوید برسند.

بیشتر بدانیم

جایگاه زن در قرآن و مقایسه آن با تورات و انجیل

در دوره‌ای که قرآن کریم بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد، بیشتر مردم، مرد را در خلقت برتر از زن می‌شمردند این موضوع، در داستان خلقت آدم و حوا و زندگی آنها در بهشت اولیه و بیرون شدنشان از

۱- سوره روم، آیه ۲۱.

۲- سوره نحل، آیه ۷۲.

آنجا نمود بیشتری داشت.

به طور مثال، در سفر (بخش) پیدایش تورات آمده که حوّا از دنده چپ آدم خلق شد و او بود که آدم را اغوا و گمراه کرد و به خوردن میوه درخت ممنوعه تشویق نمود؛ به این صورت که شیطان به سراغ حوّا رفت و به وسوسه او پرداخت. وقتی شیطان حوّا را فریب داد، حوّا به نزد آدم رفت و آن قدر اصرار کرد تا او را راضی نمود که با هم به درخت ممنوعه نزدیک شوند و از میوه آن بخورند.^۱ این کتاب که هم اکنون نیز کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان است، چنین نگاهی به زن را به پیروان خود منتقل می‌کند و در مورد خروج از بهشت، زن را مقصر نشان می‌دهد و او را به گناه نزدیک‌تر می‌داند.

بر اساس آموزه‌های کتاب مقدس (تورات و اناجیل) مسیحیان معتقدند زن منبع هر شر و فساد در عالم است. زن ستیزی و شر انگاری وی، در تمام دورانی که کلیسا بر غرب سیطره داشت از طرف کشیشان کلیسا ترویج می‌شد. اما قرآن کریم، در همان عصری که غرب بدترین خشونت‌ها و تحقیرها را علیه زن رومی داشت، در جامعه جاهلی نازل شد. جامعه‌ای که برخی از آنان داشتن دختر را ننگ می‌دانستند و رفتاری خشن و قهرآمیز با زنان و دختران داشتند.^۲ قرآن کریم، در تقابل با فرهنگ رایج آن زمان، به زن شخصیت انسانی بخشید و معیار کرامت را نه بر اساس جنسیت بلکه بر اساس فضایل انسانی و ایمان و تقوا قرار داد. قرآن کریم، در بیان داستان خلقت، مرد را برتر از زن قرار نمی‌دهد. اولاً قرآن می‌فرماید که زن از همان جنس مرد آفریده شده است.^۳ و در داستان بیرون رفتن آنها از بهشت هم می‌فرماید که شیطان هر دو را با هم فریب داد.^۴ همچنین می‌فرماید خداوند انسان‌ها را از یک مرد و یک زن آفریده و هیچ کدام در پیشگاه خدا بر دیگری برتری ندارند، مگر به تقوا.^۵

نقش‌های مکمل

خداوند، زن و مرد را به گونه‌ای آفریده که زوج یکدیگر باشند،^۶ یعنی در کنار هم قرار گیرند و یکدیگر را کامل کنند. زن و مرد اگرچه در ویژگی‌های انسانی باهم مشترک هستند و خداوند برای هر دو هدف واحدی معین کرده است، اما از جهت «زن بودن» و «مرد بودن»، یعنی از نظر خصوصیات جسمی باهم متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها به گونه‌ای است که هر دو را به هم نیازمند کرده است؛ بدون اینکه یکی بر دیگری برتری داشته باشد. زیرا برتری هرکس نزد خداوند به تقواست^۷ و هر انسانی می‌تواند آن را در وجود خود پرورش دهد.^۸

۱- تورات، سفر پیدایش، اصحاح ۲۵، ۲-۲۳ و اصحاح ۷، ۳-۱.

۲- سوره نحل، آیه ۵۸.

۳- سوره نساء، آیه ۱.

۴- سوره اعراف، آیه ۲۰.

۵- سوره حجرات، آیه ۱۳.

۶- سوره نبا، آیه ۸.

۷- سوره بقره، آیه ۱۸۷.

۸- نظام حقوق زن در اسلام، استاد شهید مطهری، ص ۱۱۹.





تفاوت‌های میان زن و مرد به جهت وظایف مختلفی است که خالق حکیم برعهدهٔ هریک از زن و شوهر نهاده است تا هرکدام از آنها بتوانند در زندگی مشترک و خانوادگی نقش‌های خاصی را برعهده بگیرند و یک خانواده متعادل را پدید آورند. به‌طور مثال، توانمندی عاطفی بالای زنان و قدرت جسمی بیشتر مردان برای آن است که زن با محبت مادری، فرزندان را رشد دهد و مرد با کار کردن نان‌آور خانواده باشد.

آمادگی برای ازدواج

انسان، با رسیدن به سن بلوغ و دورهٔ جوانی وارد مرحله مسئولیت‌پذیری می‌شود و این شایستگی را به‌دست می‌آورد که مخاطب خداوند قرار گیرد و از هم‌اکنون برای سعادت خود و خانواده‌ای که در آیندهٔ نزدیک تشکیل خواهد داد، برنامه‌ریزی نماید. مهم‌ترین این برنامه‌ها در مورد تشکیل خانواده عبارت‌اند از:

- ۱- تقویت عفاف و پاکدامنی در خود از آغاز بلوغ
 - ۲- مشخص کردن هدف‌های خود از تشکیل خانواده
 - ۳- شناخت معیارها و شاخص‌های همسر مناسب
 - ۴- شناخت ویژگی‌های روحی زن و مرد
- در این درس به تبیین برخی از این موارد می‌پردازیم:

تقویت عفاف و پاکدامنی

دورهٔ بلوغ تا ازدواج یکی از حساس‌ترین و ارزشمندترین دوره‌های عمر انسان است و دورهٔ گذر از کودکی و ورود به بزرگسالی و پذیرش مسئولیت‌های زندگی است. اگر نوجوان و جوان، این دوره را با پاکی و پاکدامنی بگذرانند و در حالی به زندگی مشترک با همسرش وارد شود که آلوده به گناه و فحشا نشده باشد، راه رسیدن به بهشت را برای خود و فرزندانش بسیار هموار کرده است.

قرآن کریم از دختران و پسران می‌خواهد که قبل از ازدواج، حتماً عفاف پیشه کنند تا خداوند به بهترین صورت زندگی آنان را سامان دهد^۱. همچنین می‌خواهد که به هیچ‌وجه دربی رابطهٔ غیرشرعی، چه پنهان و چه آشکار با جنس مخالف نباشند^۲، که زیان آن تا قیامت دامن‌گیر آنان خواهد شد و در

۱- سورهٔ نور، آیهٔ ۳۳.

۲- سورهٔ مائده، آیهٔ ۵؛ سورهٔ نساء، آیهٔ ۲۵.

نسل‌های آنان تأثیر بدی خواهد گذاشت.

هر جوانی به طور فطری و طبیعی خواستار ازدواج با کسی است که قبل از ازدواج پاکدامنی خود را حفظ کرده و رابطه غیرشرعی با جنس مخالف نداشته است. کسی که چنین خواسته‌ای دارد، باید خودش نیز این‌گونه باشد. همچنین هرکس که خواستار آن است تا دیگران به اعضای خانواده او نظر سوء نداشته باشند، خودش هم باید چنین باشد. نظام هستی بر عدالت استوار است^۱. عمل هرکس، عکس‌العملی دارد که قسمتی از آن در این جهان ظاهر می‌شود و تمام آن در آخرت.

بیشتر بدانیم

اقدامات زیر برای حفظ عفاف و پاکدامنی بسیار مؤثر است:

- ۱- کنترل نگاه و استقامت در برابر تحریک دیگران برای دیدن یک فیلم یا یک پیام نامناسب و یا حضور در مجالس گناه‌آلود و توانایی «نه» گفتن به آنها؛
- ۲- انتخاب دوست دیندار و نمازخوان و معاشرت نکردن با افراد بی‌بندوبار؛
- ۳- استفاده از لباس مناسب با شأن و منزلت انسان مسلمان؛
- ۴- انجام درست و به موقع نماز، به خصوص به صورت جماعت و با حضور در مسجد و شرکت در جلسات مذهبی، مانند مجالس دعای کمیل و دعای ندبه، اعیاد و عزاداری‌ها و سخنرانی‌های پر محتوا؛
- ۵- مشغول بودن به کارهای ضروری، مانند درس خواندن، انجام کارهای منزل، پرداختن به کارهای فنی و هنری، همکاری در بسیج، کانون‌های فرهنگی و بنیادهای خیریه؛
- ۶- رعایت جنبه‌های حلال و حرام در ارتباط با جنس مخالف؛
- ۷- خواندن داستان‌هایی درباره سیره و رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام و امامان بزرگوار علیهم السلام؛
- و کسانی که پیرو آنان بوده‌اند، همچون شهدای دفاع مقدس؛
- ۸- توجه به نصیحت‌ها و خیرخواهی‌های پدر و مادر.

توجه به اهداف ازدواج

شایسته است که به تدریج درباره هدف خود از ازدواج فکر کنیم و هوشمندانه وارد این مرحله از زندگی شویم. البته برای تشکیل خانواده در متون دینی اهدافی ذکر شده است که بعضی از آنها را در اینجا ذکر می‌کنیم. خوب است که ما نیز در بحث ازدواج همین هدف‌ها را در نظر بگیریم.

اول. پاسخ به نیاز جنسی: ابتدایی‌ترین زمینه ازدواج، نیاز جنسی مرد و زن به یکدیگر است. این نیاز که احساس آن از دوران بلوغ آغاز می‌شود، اولین کشش و جاذبه را میان زن و مرد ایجاد می‌کند و آنان را به سوی تشکیل خانواده می‌کشاند. بر اثر ازدواج و پاسخ صحیح به این نیاز، هرکدام از مرد

۱- بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، عوالمی الثالی، شیخ محمد بن علی بن ابراهیم اُحسانی، ج ۴، ص ۱۰۳.



و زن به یک آرامش روانی می‌رسند.

دوم. انس با همسر: هریک از زن و مرد، علاوه بر نیاز جنسی، نیازمند به زندگی با دیگری هستند و این نیاز نیز پس از بلوغ آشکار می‌شود. این نیاز به گونه‌ای است که اگر فردی از راه‌های نامشروع نیاز جنسی خود را برطرف کند اما بدون همسر زندگی کند، باز هم یک بی‌قراری و ناآرامی او را آزار می‌دهد که فقط با بودن در کنار همسر برطرف می‌شود.

سوم. رشد و پرورش فرزندان: خانواده بستر

رشد و بالندگی فرزندان است و هیچ نهادی نمی‌تواند جایگزین آن شود. فرزند، ثمره پیوند زن و مرد و تحکیم‌بخش وحدت روحی آنها است. آنان دوام وجود خود را در فرزند می‌بینند و از رشد و بالندگی او لذت می‌برند. کدام افتخار بالاتر از آنکه خداوند تربیت و پرورش چند تن از بندگان خود را به پدر و مادر سپرده است و احترام و اطاعت از والدین را هم ردیف طاعت و عبودیت خود قرار داده است.

چهارم. رشد اخلاقی و معنوی: پسر و دختر جوان با تشکیل خانواده، از همان ابتدا زمینه‌های فساد را از خود دور می‌کنند، مسئولیت‌پذیری را تجربه می‌نمایند، مهر و عشق به همسر و فرزندان را در خود پرورش می‌دهند، با گذشت و مدارا و تحمل سختی‌ها و ناگواری‌های زندگی، به درجات معنوی بالاتری نایل می‌شوند.



انتخاب همسر و مسئولیت آینده

پس از تعیین هدف ازدواج، انتخاب همسر مناسب مطرح می‌شود. طبق مقررات اسلامی، رضایت کامل دختر و پسر برای ازدواج ضروری است و اگر عقدی به زور انجام بگیرد، باطل است و مشروعیت ندارد. داشتن قدرت انتخاب، ارزشمند و درعین حال، مسئولیت‌آور است. برای موفق شدن در این مسئولیت، باید بر شور و احساس جوانی تسلط کامل داشت و با چشم باز عمل کرد. همواره دیده‌ایم که علاقه و محبت به یک شخص، چشم و گوش را می‌بندد و عقل را به حاشیه می‌راند. این سخن زیبای امام علی علیه السلام مربوط به مواردی از همین قبیل است:

حُبُّ النَّسِيِّ يَعْمي وَ يَصِمُّ
«علاقه شدید به چیزی، آدم را کور و کر می‌کند».

از این رو، پیشوایان دین از ما خواسته‌اند که در مورد همسر آینده با پدر و مادر خود مشورت کنیم تا

۱- خاتمه المستدرک، میرزای نوری، ج ۱، ص ۲۰۱.

به انتخابی درست برسیم. پدر و مادر به علت علاقه و محبت به فرزند، معمولاً مصلحت و خوشبختی او را در نظر می‌گیرند و به علت تجربه و پختگی‌شان، بهتر می‌توانند خصوصیات افراد را دریابند و عاقبت ازدواج را پیش‌بینی کنند.

البته پدران و مادران نباید نظر خود را بر فرزندانشان تحمیل کنند و آنها را به ازدواجی ناخواسته بکشانند. شایسته است محیط خانواده، محیط هم‌دلی، اعتماد به بزرگ‌ترها، شنیدن نظرات یکدیگر و محیط محبت و خیرخواهی باشد تا بهترین تصمیم‌ها گرفته شود و کمتر به حسرت و پشیمانی منجر شود.

دانش تکمیلی

اگر می‌خواهید بدانید چرا در دین اسلام اجازه پدر در ازدواج دختر ضروری است، به سایت گروه قرآن و معارف، بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

معیارهای همسر شایسته

از نظر قرآن کریم، مهم‌ترین معیار همسر شایسته، باایمان بودن اوست^۱. هر قدر ایمان یک فرد قوی‌تر باشد، شایستگی او برای همسری بیشتر است. البته معیارهای دیگری نیز که باید مورد توجه قرار گیرند، عبارت‌اند از:^۲

رتبه	معیارها	رتبه	معیارها
	اصالت خانوادگی		عاقل و فهیم بودن
	اخلاق خوب و خوش رویی		کسب و کار حلال
	پوشش مناسب اسلامی		سلامت جسمی و روانی
	عدم ارتباط قبلی با جنس مخالف		قناعت در زندگی
	صداقت با همسر		زیبایی و مورد پسند بودن
	انجام عبادات، به‌خصوص نماز		داشتن دوستان درستکار و سالم

* فعالیت کلاسی

در جدول بالا، معیارها را بر اساس نظر خودتان رتبه‌بندی کنید و علت را در هر مورد بیان کنید.

راه‌های شناخت همسر

تحقیق درباره‌ی همسر آینده را نباید با معاشرت‌هایی که منشأ آن تنها هوس‌های زودگذر است، اشتباه

۱- سوره بقره، آیه ۲۲۱.

۲- برای کسب اطلاع بیشتر، به کتاب «خانواده در قرآن» دکتر احمد بهشتی و «همسرداری» آیت‌الله ابراهیم امینی، مراجعه کنید.

کرد. تجربه نشان داده است که این گونه معاشرت‌ها، هرچند با عنوان‌هایی مانند شناخت روحیه همسر و یا بی بردن به نقاط تفاهم یکدیگر باشد، نتیجه‌بخش نیست و آثار زیان‌باری دارد که به خاطر همان آثار، خداوند اجازه این گونه معاشرت‌ها را به ما نداده است. در این معاشرت‌ها، معمولاً احساسات بر هر دو نفر حاکم می‌شود و دختر و پسر شخصیت واقعی خود را پنهان می‌کنند و هر طرف اصرار دارد خود را بهتر از آنچه هست نشان دهد تا محبوب دیگری واقع شود. معمولاً، بیشتر این معاشرت‌ها به سستی رابطه و جدایی می‌انجامند.



بیشتر بدانیم

متناسب با فرهنگ اسلامی، راه‌های زیر برای شناخت کسی که تمایل به ازدواج با او را داریم، پیشنهاد می‌شود:

- ۱- تحقیق درباره خانواده همسر و موقعیت اعضای خانواده در محل زندگی و محل کار.
 - ۲- شناخت دوستان همسر و کسانی که او با آنها معاشرت بیشتری دارد.
 - ۳- تحقیق درباره روحیات و خلقیات همسر در محیط کار یا محل تحصیل.
 - ۴- معاشرت خانواده‌های دوطرف با یکدیگر و بهره‌بردن از تجارب پدر و مادر در این معاشرت‌ها.
 - ۵- مشورت با افراد قابل اعتماد و کاردان.
 - ۶- گفت‌وگو با یکدیگر در جلسات حضوری و طرح نظرات و دیدگاه‌ها درباره موضوعات مختلف.
- بهتر است مسیر شناخت همسر با مشارکت پدر و مادر طی شود که سرشار از تجربه‌اند و معمولاً به مصلحت آینده فرزند خود علاقه‌مند هستند.

زمان ازدواج

آمادگی برای ازدواج، نیازمند دو بلوغ است: یکی بلوغ جنسی و دیگری بلوغ عقلی و فکری که مدتی پس از بلوغ جنسی فرا می‌رسد. با رسیدن بلوغ عقلی، جوان درمی‌یابد که باید زندگی را بسیار جدی بگیرد و برای آینده‌اش برنامه‌ریزی کند. توجه به داشتن شغل و پیدا کردن کار، فکر کردن درباره



و بزرگی‌های همسر، تنظیم خرج و هزینه خود و دوری از بی برنامه‌بودن از نشانه‌های بلوغ عقلی است. نباید فاصله میان بلوغ جنسی و عقلی با زمان ازدواج زیاد شود و تشکیل خانواده به تأخیر افتد. به همین علت، پیشوایان ما همواره دختران و پسران را به ازدواج تشویق و ترغیب کرده و از پدران و مادران خواسته‌اند که با کنار

گذاشتن رسوم غلط شرایط لازم را برای آنان فراهم کنند و به خاطر پندارهای باطل همچون فراهم شدن همه امکانات زندگی، فرزندان خود را به گناه نکشانند و جامعه را گرفتار آسیب نسازند.

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید :

«کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است؛ پس باید برای نصف دیگر، از خدا پروا داشته باشد»^۱.

این جمله کوتاه، اهمیت ازدواج را به خوبی می رساند و نشان می دهد که چگونه نیمی از دینداری انسان با ازدواج، حفظ و نگه داری می شود.

ایشان همچنین می فرماید : «برای دختران و پسران خود امکان ازدواج فراهم کنید تا خداوند اخلاقشان را نیکو کند و در رزق و روزی آنها توسعه دهد و عفاف و غیرت آنها را زیاد گرداند»^۲.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید :

«دو رکعت نماز شخص متأهل، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص مجرد می خواند»^۳.

نباید از یاد ببریم که ازدواج برای رفع نیازهای طبیعی و پاسخ گویی به قانون خلقت انجام می شود و شایسته است که به این نیازهای طبیعی در «زمان مناسب» و به «شیوه صحیح» پاسخ دهیم.

شادابی، سلامت جسمی و روحی، رشد طبیعی، احساس رضایت درونی، کاهش فشار جنسی و سلامت اخلاقی جامعه از فواید ازدواج در «زمان مناسب» است. تأخیر در ازدواج سبب افزایش فشارهای روحی و روانی، روابط نامشروع و آسیب های اجتماعی می شود.

همچنین، اگر فردی بخواهد به شیوه ای غیر از شیوه های مطرح شده از سوی دین یعنی به «شیوه ناصحیح» به نیاز جنسی خود پاسخ دهد، در آن صورت، لذت آنی برخاسته از گناه، پس از چندی روح و روان فرد را پژمرده می کند و شخصیت او را می شکند. این گونه اشخاص، به جای بازگشت به مسیر درست، برای فرار از این پژمردگی به افراط در گناه کشیده می شوند؛ اما نمی دانند که روحشان مانند تشنه ای است که هرچه بیشتر از آب شور دریا می نوشد، بر تشنگی اش افزوده می شود و بی قراری اش شدت می یابد.

بیشتر بدانیم

خواستگاری پسر از دختر یا دختر از پسر؟!

معمولاً خواستگاری از طرف پسر اعلام می شود و قبول و رضایت از طرف دختر صورت می گیرد.

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۵، ص ۳۲۹؛ من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه، ج ۳، ص ۳۸۳.

۲- نوادر، راوندی، ص ۳۶.

۳- کافی، کلینی؛ ج ۵، ص ۳۲۸؛ من لا یحضره الفقیه، صدوق، ج ۳، ص ۳۸۴.

۴- در اسلام، علاوه بر ازدواج دائم، ازدواج موقت نیز برای کسانی که امکان ازدواج دائم ندارند، پیشنهاد شده است که احکام آن در رساله علمیة مراجع تقلید و نیز در محتوای این رمزینه ذکر شده است.



این سنت نشانه آن است که پسر باید سؤال و درخواست کند و دختر می‌تواند بپذیرد، یا رد کند. به تعبیر دیگر، این پسر است که ابتدا محبت خود را اعلام می‌کند و به دنبال دختر می‌آید تا دختر این اعلام محبت را بررسی کند و پاسخ دهد. این سنت، برای احترام شخصیت دختر است.

البته، طرح خواستگاری از سوی مرد، به این معنا نیست که دختران نمی‌توانند همسر مناسب خود را انتخاب کنند و خود را به وی معرفی نمایند. این کار بهتر است به صورت غیرمستقیم صورت بگیرد، مثلاً دختر به یکی از افراد نزدیک و مورد اعتماد خود بگوید که وی را به‌عنوان یک مورد برای ازدواج، به پسر مورد نظر خود پیشنهاد کند. (البته این فرد واسطه نباید در صحبت‌های خود با پسر یا خانواده او حرفی از علاقه دختر به پسر مورد نظر به میان آورد). خوبی این روش این است که اگر پسر تمایلی به ازدواج با این دختر را نداشت، کرامت و عزت نفس دختر حفظ می‌شود.

نمونه زیبای چنین موردی، ازدواج پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با حضرت خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا، پیش از نبوت بود. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مکه به درستکاری و امانت‌داری مشهور بود و حضرت خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا این را می‌دانست؛ اما پس از اینکه مال‌التجاره زیادی در اختیار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گذاشت و ایشان را برای یک سفر تجاری به شام فرستاد و امانت‌داری و درستکاری ایشان را در عمل دید و اخلاق کریمانه پیامبر را مشاهده کرد، شیفته رفتار و اخلاق پیامبر شد. اما پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به این موضوع توجهی نداشت تا اینکه حضرت خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا علاقه و محبت خود را به پیامبر، با افرادی از خویشان خود که با ایشان نیز دوستی داشتند، در میان نهاد و آنان پیامبر را مطلع کردند و درباره شخصیت ممتاز حضرت خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا برای پیامبر سخنانی گفتند. پیامبر که حضرت خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا را برای همسری خود مناسب دید، خواستگاری این بانوی بزرگوار را پذیرفت و ازدواج این زوج خوشبخت، صورت گرفت.^۱

پاسخ سؤالات شما

آیا دختران و پسران می‌توانند قبل از ازدواج دوستی خارج از چارچوب شرع داشته باشند؟
قرآن کریم، به صورت قاطع، مردان و زنان را از ارتباط‌های غیرشرعی منع می‌کند و از مرد و زن می‌خواهد که فقط براساس قوانین دین با یکدیگر ارتباط داشته باشند. زیرا عاقبت روابط غیرشرعی، زیان روحی و عاطفی برای هر کدام از زن و مرد است و به گسترش بی‌بندوباری در جامعه منجر می‌شود.^۲
در بسیاری از موارد، افرادی که به دنبال این گونه دوستی‌ها هستند، به تعبیر قرآن کریم، قلبی مریض دارند^۳ و فقط به دنبال هوسرانی خود و سوءاستفاده از طرف مقابل می‌باشند؛ به بهانه ازدواج در آینده، از در دوستی وارد می‌شوند و پس از مدتی، بدون دلیل قانع‌کننده‌ای جدا می‌گردند و دوستی با دیگری را آغاز می‌کنند. بهترین راه عبور سالم و بی‌خطر از دوره تجرد و ورود به زندگی خانوادگی، اعتماد به راهنمایی

۱- یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۵، ص ۱۱۰؛ سلام بر خورشید، سیدعلی‌اکبر حسینی، ج ۱، ص ۱۱ به بعد؛ زندگی حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، سیدهاشم رسولی محلاتی، ص ۹۱.

۲- سوره مائده، آیه ۵؛ سوره نساء، آیه ۲۵.

۳- سوره احزاب، آیه ۳۲.

خداوند و رعایت دستوراتی است که خدا به ما داده است. بنابراین، شایسته است به نکات زیر توجه کنیم :

۱- هر انسانی، چه زن و چه مرد، کسی را برای همسری می‌پسندد که قبل از ازدواج، عقیقانه زندگی کرده و با جنس مخالف رابطه غیر شرعی نداشته باشد؛ زیرا می‌داند چنین کسی در طول زندگی مشترک هم، به او خیانت نخواهد کرد.

۲- هرکس عفاف و پاکدامنی قبل از ازدواج را رعایت نکند و عامل انحراف دیگری شود، کار او در جهان بی‌باسبخ نخواهد ماند و مکافات آن در همین دنیا به صورتی به خودش باز خواهد گشت. این مکافات، علاوه بر مجازات سنگین اخروی است. چوب خداوند صدا ندارد، اما ضربه آن قاطع و محکم و در زمانی که گناهکار فکرش را هم نمی‌کند، وارد می‌شود.

۳- پسران غیور، دختران دیگر را در جای خواهر خود قرار می‌دهند و همان‌طور که اگر نامحرمی از روی هوس قصد تعرض به خواهرشان را داشته باشد، غیرتشان به جوش می‌آید، همین حالت را نسبت به دختران دیگر دارند و به خودشان اجازه بی‌حرمتی به او را نمی‌دهند.

۴- دختران باحیا و عقیف، همواره به این فکر هستند که با همین حالت عفاف با همسر آینده خود روبه‌رو شوند و پاک وارد خانه همسر گردند. از این‌رو، نمی‌گذارند هوس‌رانان متوجه آنها شوند. این دختران به‌گونه‌ای در خیابان، مدرسه، دانشگاه و سایر مراکز عمومی، رفت‌وآمد می‌کنند که کمتر کسی به خود اجازه دهد به آنان بی‌حرمتی کند.

۵- همه آنان که با فریب فریب‌کاران وارد فضای هوس‌آلود می‌شوند، پس از مدت کوتاهی دچار یک زندگی تلخ می‌گردند که تا پایان عمر گریبانشان را رها نمی‌کند. زندگی این افراد پر از شک و بددلی به همسرشان است. آنان دائم با خود می‌گویند آیا همسرم قبل از ازدواج با من با کس دیگری نبوده است؟ آیا اکنون با کسی رابطه‌ای ندارد؟ آیا...

۶- توبه، بهترین راه رهایی از دام فریب‌کاران است. اگر گاهی احساس بر عقل غلبه کرد و گناهی از ما سرزد، نباید از رحمت خدا مأیوس شد و برای دومین بار فریب خورد و گفت: «آب که از سر گذشت، چه یک وجب، چه صد وجب». نه، توبه واقعی کاری می‌کند که انسان دوباره به پاک‌ی اولیه خود برسد؛ زیرا «نیکی‌ها از بین‌برنده بدی‌ها هستند»: (سوره هود، آیه ۱۱۴)

طبق آیه ۳۳، سوره نور وظیفه جوانی که به بلوغ جنسی و عقلی رسیده، اما هنوز امکان ازدواج پیدا نکرده است، این است که :

وَلَيْسَ عَفْفٌ اَلَّذِيْنَ لَا يَجِدُوْنَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ رَاه عَفَافٍ رَا بِيْش گِيْرِنْد كَسَانِي كَه
امكان ازدواج برايشان نيست تا خداوند از فضل خود نياز آنان را برطرف سازد.

قرآن کریم، در مواردی که دختری یا پسر نمی‌توانند از طریق چارچوب‌های قرار داده شده در شرع، ارتباط برقرار کنند، هیچ راهی جز عفاف و پاکدامنی و مهار نفس را نمی‌پذیرد؛ زیرا خدایی که غریزه جنسی را به انسان داده، هم او به انسان نیروی ایمان و اراده‌ای بخشیده است که بتواند خویشتن‌داری کند و مانع گناه شود. برای اینکه حفظ عفاف و مهار نفس آسان‌تر شود، می‌توان از اقدامات ده‌گانه‌ای که در درس قبل پیشنهاد شد، استفاده کرد.

